

نام و نام خانوادگی:
مقطع و رشته: دوازدهم انسانی
نام پدر:
شماره داوطلب:
تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد فلسطین
آزمون میان ترم اول سال تمصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: فلسفه ۲
نام دبیر:
تاریخ امتحان: ۱۴۰۰ / ۰۸ / ۲۶
ساعت امتحان: ۳۰: ۰۹ صبح / عصر
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	وقتی می گوییم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به چه معناست؟	۲
۲	آیا دو مفهوم انسان و حیوان ناطق از یکدیگر جدایی پذیرند؟ توضیح دهید.	۲
۳	چه امری باعث شد تا فلاسفه غرب در قرن های ۱۳ تا ۱۵ مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؟	۲
۴	در قضایا "عدد هشت فرد است" و "تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است" رابطه موضوع و محمول چگونه است؟ توضیح دهید.	۲

صفحه ۱ از ۲

۲	از نظر ابن سینا میان ماهیات و وجود چه نوع رابطه ای برقرار است؟	۵
۲	واجب الوجود بالذات یعنی چه؟ آیا بی نهایت شدن تعداد اشیا ء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف می سازد؟	۶
۲	طبق نظریه "امکان فقری" یا "فقر وجودی" جهان هستی چگونه است؟	۷
۲	توضیح دهید چرا رابطه علیت مانند رابطه دوستی نیست؟	۸
۲	از نظر تجربه گرایان (امپریست ها) انسان چگونه رابطه علیت را بنا می نهد؟ با ذکر مثال توضیح دهید.	۹
۲	چگونه از طریق "اصل امتناع اجتماع نقیضین" متوجه می شویم پدیدهها خود به خود به وجود نمی آیند؟	۱۰



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۶ تهران
 دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد فلسطین
کلید سؤالات میان ترم اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

نام درس: فلسفه ۲
 نام دبیر:
 تاریخ امتحان: ۱۴۰۰ / ۰۸ / ۲۶
 ساعت امتحان: ۰۹:۳۰ صبح / عصر
 مدت امتحان: ۹۳۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند که مثلاً اگر کسی پرسد چه رنگی است، می گوئیم سفید است. وقتی می گوئیم "انسان موجود است" تفاوت انسان و وجود فقط در ذهن و از جهت مفهوم است، ولاً در خارج، دو امر جداگانه به نام وجود و انسان نداریم؛ یعنی در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می دهیم.	
۲	خیر، این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. اصولاً لفظ انسان برای همین چیزی که حیوان ناطق است به کار می رود. و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.	
۳	فلاسفه ای مانند آلبرت کبیر و راجر بیکن نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند. اینان در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی ابن رشد بود که فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.	
۴	برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین نامحدود باشند.	
۵	وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.	
۶	واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد.	
۷	جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلال ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو عنایت خویش را بازگیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود.	
۸	رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مثل رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض شده، سپس بین آنها دوستی برقرار گردد.	
۹	معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد. آنان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن و با ناپدید شدن آن، تاریک شده است، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود و اسم این رابطه را "علیت" گذاشته است.	
۱۰	زیرا "اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد"، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد و این، همان اجتماع نقیضین است که محال است.	